مدخلهای دینی؛ نگاهی از زاویه دید اسلام

کیهان فرهنگی

طارمی، حسن

کیهان فرهنگی:وظایف شما چیست‏ و گروه معارف اسلامی به چه موضوعاتی‏ می‏پردازد؟

حجت الاسلام طارمی:باید در نظر بگیریم‏ معارف اسلامی از آغاز اسلام تا امروز یک فرا؟؟؟ داشته و در حوزه‏ای وسیع از جهان آثار و؟؟؟ گوناگون ظهور کرده‏اند که در این مجموعه؟؟؟ پرداختن به این اشخاص و آثار و اصطلاحات‏ حیطهء وظایف دست‏اندرکاران گروه ماست. گروه معارف اسلامی یعنی دایرة المعارفی‏ معارف اسلامی.در این گروه فعالیتهای ما مشخص کردن عناوین یا مدخلهایی که باید مقاله نوشت،نوشتن مقالات و سفارش؟؟؟ استادان آشنا و کارشناس در آن مدخل‏ ارزیابی مقالات و در صورت لزوم تبادل نظر نویسندهء آن برای توافق بر سر شکل و محتوا قبول مقاله،ویرایش اولیهء آن،و بازبینی‏ مطالب.بنده مجموعهء علومی را که در جهان؟؟؟ می‏توانیم بشناسیم و دانشمندان زیادی در ؟؟؟ کرده‏اند و علوم را نام برده‏اند،از نظر ارتباط؟؟؟ اسلام معمولا به سه یا چهار درجه و دست؟؟؟ می‏کنم.علومی هستند که ما به آن می‏گو؟؟؟ «اصالتا اسلامی»یعنی علومی که اگر اسلام؟؟؟ علوم هم نبودند که شامل فقه اسلامی،قرآن‏ حدیث شناسی و کلام اسلامی می‏شود.علو؟؟؟ هم هست(از نظر ارتباط با اسلام می‏گویم)که؟؟؟ اسلامی رشد کرده‏اند و با مباحث اسلامی‏ نزدیکتری دارند.به عنوان نمونه عرفان و فلسفه‏ گاهی با اسلام آمیختگی پیدا کرده‏اند.علومی‏ داریم که در دورهء اسلامی رشد کرده‏اند و به‏ که هر جامعهء بشری به آنها دارد،مثل:ریاضی‏ معماری و مانند آن که دین اسلام در گسترش‏ بسزا داشته،این علوم،در پایهء سوم هستند که‏ اسلام رشدی چشمگیر یافتند.علوم دورتری‏ این دسته‏بندی هم هستند که رابطه‏شان با اسلام‏ است.بنا بر این،معارف اسلامی که می‏گوییم؟؟ همان علوم دستهء نخست است؛یعنی؟؟ موضوعشان اسلامی است:فقه و اصول،قرآن و؟؟ کلام،حدیث شناسی که در کل رجال شناسی؟؟ و تاریخ اسلام که به سیرهء پیامبر،سیرهء ائمه و؟؟ ائمه می‏پردازد.این مجموعه معارف اسلامی؟؟ ممکن است در آینده ناگزیر از تفکیک بین اینها؟؟ گروههای بیشتری به گروههای کنونی بیفزاید؟؟ کدام متکفل یک شاخهء آن شوند.

کیهان فرهنگی:دینها و مذاهب‏ دیگر هم در این گروه جا دارند یا خیر؟

طارمی:ما از منظر و دیدگاه اسلام؟؟ جهان نگاه می‏کنیم.در واقع نگاه دانشنامهء جهان؟؟ به جهان به طور کلی از این دیدگاه است.یعنی؟؟ بفرمایید که دربارهء داروهای طبی هم اگر بنویسیم آنچه را که مربوط به جهان اسلام؟؟ کسانی مانند ابن سینا،رازی،اخوینی در؟؟ مطلبی در کتابهای خود نوشته‏اند،می‏آوریم.یا؟؟ که در قرآن صحبت از انجیل شده بر اساس‏ قرآن آمده و آنچه در حدیث از آن سخن رفته‏ متکلمین ما گفته‏اند،آن را می‏نویسیم.در قرآن‏ تثلیث مطرح شده.ما از این نظر بحث را می‏کنیم که قرآن گفته مسیحیان قایل به‏ تثلیثند.در قرآن به کسی که به یهودیان حمله‏ اشاره شده که در تفاسیر ما نامش را؟؟ دانسته‏اند.بنا بر این چون در منابع ما نام وی‏ بختنصر در مدخلهای ما وارد خواهد شد و موضوع؟؟ ما قرار خواهد گرفت و مقاله‏ای دربارهء وی سفارش‏ خواهد شد تا نوشته شود.نگاه ما به مآخذ و دیدگاهها و مذاهب دیگر از چشم و زاویهء دید اسلام است،که البته‏ به طور عمده از منابع خودمان مایه گرفته‏اند.در این‏ مدخلها بودا هم مطرح خواهد شد،زیرا در کتاب«ملل‏ و نحل»ما بودیسم مطرح شده و شرحی دربارهء آن آمده‏ است.

کیهان فرهنگی:محورها و ویژگیهایی‏ که در مدخل گزینی گروه معارف‏ اسلامی رعایت می‏شود چیست؟

طارمی:وقتی بخواهیم درباره مدخل در این گروه کار کنیم،سه محور اصلی موضوع کار ما هستند؛یکی اصطلاحات و مفاهیم که در هر علمی‏ مطرحند.مثلا کسی می‏خواهد بداند«ربا»چیست،یا حکم اسلام دربارهء شطرنج چیست.اینها مربوط به‏ مفاهیم و اصطلاحات است.یکی دیگر از محورها اشخاصند که به ویژه دربارهء اشخاص شیعه مذهب و نیز آنها که در ایران یا ایرانی بوده‏اند یک مقدار بیشتر کار می‏کنیم؛زیرا کسی که در کشوری دیگر آن را مطالعه‏ می‏کند توقع دارد دربارهء ایران از دانشنامهء ما مطلب‏ بیشتری ببیند چرا که اطلاعات ما دربارهء ایران بیشتر است،همچنان که یک تونسی یا مراکشی و...نیز از کشور خود اطلاعات بیشتری می‏داند.محور دیگر مدخلهای ما کتابهای مهم است که مسلمانان و ایرانیان‏ و فارسی زبانان پدید آورده‏اند.کتابهای درجه اولی که‏ می‏توانند مراحل حرکتی ما را در خود داشته باشند. وقتی ما در دوره‏ای دربارهء موضوعی چندین کتاب‏ داریم،معلوم است که در آن دوره حرکت بیشتری در این عرصه داشته‏ایم.این کتب مهم را دسته‏بندی‏ کرده‏ایم و برای هر موضوع و قسمتی چند کتاب مهم را در نظر گرفته‏ایم و مدخلهای تا درجهء سوم آنها را به‏ تصویب خواهیم رساند.

گفتیم ما با این نگاه جلو برویم که یک روزی‏ دانشنامهء ما از«الف»تا«ی»در کتابخانه‏ای چیده شود، این دانشنامه باید بتواند راهنمای اطلاعاتی و اطلاع رسانی برای هر پژوهشگری باشد که می‏خواهد در حوزه‏ای خاص کار کند.می‏خواهد مثلا دربارهء فقه‏ کار کند این فرد باید بتواند وقتی به دانشنامه مراجعه‏ کرد هر سؤال فقهی دانشنامه‏ای را در آنجا بیابد.یعنی‏ نمی‏خواهد بداند برای نمونه تیمم چگونه انجام‏ می‏گیرد،چون می‏تواند به توضیح المسایل رجوع کند بلکه مفهوم تیمم را بداند یا اصطلاح«مضاربه»را در فقه‏ بداند.ما مداخل را چنین تقسیم کرده‏ایم که اگر این‏ اصطلاح از اصطلاحات درجه اول است-که به قول ما «معرکهء آرا»بوده-مقالهء آن را می‏خواند و اگر درجهء دوم‏ و سوم است وی را به مسأله‏ای دیگر ارجاع می‏دهیم.

یعنی برای مثال اگر دربارهء«مسح»می‏خواهد مطلب‏ بخواند رجوعش می‏دهیم به«وضو»-برای روشن کردن‏ این بخش باید چنین مثال بزنیم که در همین مسألهء فقه یکی از کارشناسان و آگاهان فقهی را می‏بینیم و طی مشاوره‏هایی می‏گوییم بخشهای مهم آن را برای ما استخراج کند.او چنین می‏کند:ما در فقه یک موضوع‏ به نام فقه باید داشته باشیم که یکی از شاخه‏های مهم‏ علوم اسلامی است.فقه یک مقاله باید داشته باشد شامل تعریف و سیر تحولی و اینکه از چه زمانی به‏ عنوان دانشی مستقل شناخته شد،و از آن پس چه‏ مراحل را طی کرده است.در درجهء دوم مباحث مهم آن‏ چیست و در واقع درختوارهء مدخلهای فقهی با این‏ سؤالات و گزینش اهم مداخل شکل می‏گیرد.در هر کدام از این بخشها چنین کاری می‏کنیم.البته برای‏ این کار در هر بخش سراغ منابع اصلی رفته‏ایم و آنها را برای بهره‏گیری بدین منظور انتخاب کرده‏ایم.با برخی‏ از اهل نظر هم تبادل نظر می‏کنیم و سپس آن مدخل را در شورای مدخل ارائه می‏دهیم تا اگر مورد قبول و پذیرفتنی بود،تصویب شود.

کیهان فرهنگی:در هر بخش با چه‏ کسانی تبادل نظر می‏کنید؟

طارمی:افرادی را که در هر حوزه بیشتر از دیگران کار تحقیقی می‏کنند و در آن عرصه شناخته‏ شده‏ترند انتخاب می‏کنیم و با ایشان در آن باره تبادل‏ نظر می‏کنیم.برای مثال در حوزهء«اصول»از آقای‏ انصاری روحانی گرانقدر و اندیشمندمان خواهش‏ کرده‏ایم ما را یاری دهند،در فقه و حقوق آقای حائری‏ ،دوستی که پیشتر نیز در اینجا با ما همکاری‏ می‏کردند همراهمان شدند و به یاری ایشان مدخلهای‏ فقه را درآوردیم،آقای هاشمی نیز در زمینهء رجال شناسی یاورمان هستند.آقایان الهامی،ضرابی، ترابی،رهایی،کیانی و محمدی از فاضلانی هستند که اهل قلمند،درس خارج خوانده‏اند و در این گروه با ما همکاری می‏کنند.

کیهان فرهنگی:آیا در این گروه مأخذ شناسی هم انجام می‏گیرد؟

طارمی:بله،مهمترین کار برای‏ مقاله نویسی یا اصلا برای آنکه بتوانیم ادعا کنیم کل‏ مقالات علمی ما در این حوزه،فعالیت کاملی است، شناسایی مآخذ موضوعات و گردآوری آنهاست. مرادمان از مآخذ موضوعات،مآخذی است که به طور «عام»در یک موضوع وجود دارند و به طور«خاص»در این موضوع مطرح شده‏اند.برای نمونه وقتی‏ می‏خواهیم شرح حال فقیهی را بنویسیم،باید بدانیم‏ مآخذ عمومی‏ای که شرح حال وی را بیان کرده‏اند کدامها هستند و بعد اگر دربارهء وی به طور خاص هم‏ کتابی نوشته شده آن را شناسایی کنیم.وقتی‏ می‏خواهیم شرح حال آیت الله بروجردی را بنویسیم‏ باید بدانیم که دربارهء ایشان دو کتاب و یک رسالهء مستقل نوشته شده و یک مجله دربارهء ایشان ویژه نامه‏ دارد و چندین مقاله هم در دایرة المعارفها نوشته شده و کتابهای عمومی دیگر هم دربارهء وی مطالبی نوشته‏اند. البته مؤلفی که ما او را برای نوشتن مقالهء وی در نظر می‏گیریم خود از این مآخذ آگاه است،اما برای آنکه یک‏ روش اطلاع رسانی خوبی داشته باشیم و مواقعی که‏ می‏خواهیم دربارهء شخصیتی که کمتر از آیت الله‏ بروجردی شناخته شده مقاله‏ای بنویسیم باید کار مآخذ شناسی را به طور جدی انجام دهیم.تا آنجا که‏ می‏دانم مرکز،مؤسسه یا نهادی که بتواند به طور کامل‏ و پربار کار مآخذ شناسی را انجام دهد،نداریم.بنا بر این‏ مأخذ شناسی هم بر دوش خودمان است.در مأخذ شناسی کتابها را از نگاههای گوناگون دسته‏بندی‏ کرده‏ایم،از نظر اهمیت،از دیدگاه اعتبار و صحت،و ...دیدگاهها در این دسته‏بندی به هشت گونه می‏رسد و به سؤالاتمان در زمینهء زمان،اعتبار،اهمیت،موضوع، جامع بودن و...پاسخ می‏دهد.

کیهان فرهنگی:چه مشکلات و موانعی فراروی کار شماست و به نظر شما چگونه می‏توان بر آنها فایق آمد؟

طارمی:در ایران دایرة المعارف نویسی‏ هنوز سنت نشده است.این طور نیست که مقاله نویسی‏ برای دایرة المعارف امری عادی میان افراد متخصص‏ باشد.شما در برخی جاهای دنیا می‏بینید پژوهنده‏ای‏ که در حوزه‏ای خاص مثل فیزیک تخصص دارد وقتی از وی می‏خواهید که مقاله‏ای در فیزیک برای‏ دایرة المعارفتان بنویسد او می‏داند که چه و چگونه باید بنویسد،اما در ایران باید به همان پژوهندهء دارای‏ تخصص توضیح داد که چه می‏خواهیم،چگونه‏ بنویسد،از کجا شروع کند،به کجا ختم کند و ساختار و مقاله‏اش چطور باشد!در ایران نه تنها داریم با شیوهء «آزمون و خطا».پیش می‏رویم،بلکه تعداد کسانی که‏ می‏توانند در این زمینه مقاله بنویسند کم است.من به‏ شخصه تجربه‏ای در اینجا داشته‏ام و اکنون پی برده‏ام‏ که گاهی از چند دایرة المعارف برای نوشتن مقاله‏ای‏ دربارهء فلان شخص یا موضوع به یک فرد مراجعه شده!تعداد متخصصان ما آنقدر زیاد نیست که در هر حوزه و موضوعی یک یا چند متخصص داشته باشیم.در حالی‏ که شاید در حوزه‏ای دیگر یا در جایی دیگر چنین‏ باشد.بنا بر این از آغاز در ذهن ما این بود که باید کارشناس و مؤلف دایرة المعارفی پرورش داد.بدین‏ منظور ما بخشی از وقتمان را در راه تربیت نیروی‏ متخصص صرف کردیم.از آدمهای فاضل و اندیشمندی‏ خواهش کردیم که در این راه با ما همگام شوند.برخی‏ همکاران ما در گروه معارف اسلامی افرادی در حوزهء علمیهء قم هستند که با آنها همین گونه رفتار کردیم و در واقع همهء مراحلی را که توضیح دادم به آنها آموخته‏ایم.در نشستهای پیاپی و بسیاری روشها را به‏ آنها آموخته‏ایم و گفته‏ایم که این را اگر چنین بنویسیم‏ بهتر است یا اگر چنان کار کنیم شایسته‏تر است،این‏ موضوع را ذکر کنیم کاملتر و آن مأخذ و مسأله را در اینجا بیاوریم خوبتر است.تا اینکه سرانجام توانسته‏ایم‏ آنچه را می‏خواهیم به آنها بگوییم.گفته‏ایم این مطلب‏ خود بحث مستقلی دارد آن مطلب اگر در لابه‏لای‏ مطلب فلانی بیاید دیگر احتیاجی به مدخلی دیگر نداریم و...شکل و استخوانبندی کار را برای ایشان‏ مشخص کرده‏ایم تا مقاله‏ای که چاپ می‏شود مقاله‏ای‏ درجه یک باشد.

کیهان فرهنگی:چند نمونه از مقالات‏ درجه یک را که در این گروه نوشته شده‏ نام ببرید و بفرمایید که بیشتر چه‏ انتقادهایی از مقالات شما می‏شود؟

طارمی:از میان مقالاتی که در این زمینه‏ می‏گنجند می‏توان اشاره کرد به مقالهء«بازپرسی»که‏ آقای حائری نوشته‏اند،مقالهء«باه»که آقای هاشمی آن‏ را نوشته‏اند،اگر حمل بر تعریف از خود نباشد مقالهء «بادهء»خود من،از شرح حالها می‏توان مقالهء«امام‏ باقر»را یاد کرد و...منتظریم که آیندگان و خوانندگانمان نظر بدهند؛زیرا هر مقاله‏ای که چاپ‏ می‏شود زیر ذره‏بین انتقاد می‏رود و از آنجا که‏ انتقادهای اندکی به بیشتر مقالات ما شده می‏توان از صحت و درستی آن اطمینان حاصل کرد.از نظر محتوایی کمتر از ما انتقاد شده است و آنچه هست‏ بیشتر در این زمینه است که مثلا چرا فلان مدخل‏ را نیاورده‏اید و...حتی یادم می‏آید یکی از دوستانمان‏ بر جزوهء سوم ما مقاله‏ای نوشته بود که در«کیهان‏ فرهنگی»چاپ شده است و از قضا مطلبی از خود بنده‏ را بررسی کرده بود و گفته بود در مأخذی که نام‏ برده‏ایم آن مطلب نیامده است.بعد از چاپ آن من با ایشان تماس گرفتم و گفتم که مطلب یاد شده در آن‏ مأخذ اما در چاپ فلان آن آمده است که قبول کردند و گفتند یک مقدار در نوشتن نقد عجله کرده‏ام.برای‏ مثال انتقاد کرده بودند که چرا در بحث اسماء خدا از یک فرنگی مقاله ترجمه کرده‏اید.ما نظرمان این است‏ که بهترین مقاله را چاپ کنیم حالا اگر این بهترین‏ مقاله از خامهء فردی مسلمان یا ایرانی نوشته شده چه‏ بهتر و گر نه ایرادی نیست که از چه کسی است.در آن‏ موضوع هم دو مقالهء خوب نوشته شده بود که یکی‏ از آنها به قلم همان فرد فرنگی بود.با ارزیابی ما مشخص شد که مقالهء وی بهتر است و بی‏تردید یکی از بهترین مقالاتی که در این زمینه نوشته شده،همان‏ است.آقای دانیل ژیماره کتابی دربارهء«اسماء و صفات‏ الهی»نوشته‏اند که ما بخشی از آن را مثل مقالهء «بادئ»در جزوهء دوم از آن کتاب ترجمه کردیم.من‏ مخالف استفاده از مقالات مسلمانان یا ایرانیان نیستم، اما در این زمینه ایشان تحقیق و جستجوی بهتری کرده‏ بودند و مقاله‏شان نیز به قلمی بهتر و ساختاری‏ درست‏تر نوشته شده است از همین رو از آن استفاده‏ کردیم و اگر کس دیگری از مسلمانان یا ایرانیان چنین‏ می‏کرد بی‏شک آن را چاپ می‏کردیم.

کیهان فرهنگی:از شما سپاسگزاریم.